

مبانی عرفان اسلامی در نیایش‌های فاطمی

محمد جواد (سیاوش) رودگر*

چکیده

پیدایش جریان‌ها و مکتب‌های عرفانی نوظهور آئینی - غیر دینی و برخی فرق صوفیانه و سوالات و شبهات عصری ملازم آن، ضرورت تبیین همه جانبه عرفان جامع و کامل اسلامی را اجتناب ناپذیر می‌نماید. مقاله حاضر با تبیین معنا و مفهوم عرفان ناب از حیث علمی و عملی با رویکردی بر آموزه‌ها و ادعیه حضرت زهرا (سلام‌الله علیها)، به توصیف و تحلیل برخی اصول عرفان اسلامی می‌پردازد؛ سپس مؤلفه‌های محوری و عناصر بنیادین عرفان متخذ از سنت و سیره‌ی حضرت زهرا سلام‌الله علیها و اصطیاد شده از نیایش‌های فاطمی چون شریعت محوری، جامع‌نگری، مسئولیت‌پذیری، سیاست‌ورزی، زندگی‌سازی و... را با دو بعد معرفت و معنویت بر پایه عقلانیت و عدالت مورد کنکاش و کاوش قرار می‌دهد. نوشتار حاضر بر این فرضیه تأکید دارد که عرفان اصیل، سعادت‌آفرین و کمال بخش تنها در اسلام نبوت و امامت یا عرفان قرآن و عترت، قابل ادراک و وصول و حصول است.

واژگان کلیدی

فاطمه زهرا سلام‌الله علیها، توحید، انسان کامل، شریعت، جامعیت، کمال.

* - دکترای عرفان اسلامی؛ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

(۱) مقدمه

عرفان قرآنی و ولایی «معرفة الله» و معرفت به «اسماء الله» و نیل به مقام توحید ناب، کامل، تخلق به اخلاق الهی و تشبه به حضرت حق یا خداخویی از رهگذر خداشناسی، خداگرایی و خداجوئی است که از طریق سیروسلوک و طی مقامات معنوی و منازل و مراحل عملی ممکن و قابل حصول و وصول خواهد بود و شریعت حقه محمدی صلوات الله علیه و ولایت انسان کامل معصوم علیه السلام بنیادهای اصیل صراط مستقیم سلوک معرفتی و معنوی عرفان و خیانی است و فاطمه زهرا سلام الله علیها صورت عینی قرآن و تجسم حقیقی عرفان علمی و عینی و تجلی صراط مستقیم سلوک الی الله و نمونه تمام عیار خلیفه الله، حجة الله و وجه الله است که مشافهه و مشاهده حضرتشان و سیره علمی و عملی ایشان منبع و مبادی تصویری و تصدیقی و اصولی و وصولی جامع و کامل برای تبیین، ترویج و تحقق حقایق عرفانی خواهد بود. در عصری که انحراف و تحریف، التقاط و اعوجاج از درون و برون به تدریج عرفان حقیقی و حقیقت عرفانی را نشانه رفته و عرفان تهی از عرفان و بریده از عناصر فطرت توحیدی و شریعت الهی و عقلانیت برین و متعالی و عدالت فردی و اجتماعی با عنوان جذاب و افسونگرانه عرفان مدرنیستی، معنویت گرایی نوظهور، عرفان درمانی و... اما در واقع عرفانهای غیردینی و سکولار، تهدیدکننده هویت حقیقی انسانی - اسلامی و تخریبکننده عقل و دل در یک تهاجم و ناتوی فرهنگی معیارها و ارزشهای کارآمد، تعالی بخش و تعهدآفرین را در معرض آفات و آسیبهای خطرناک قرار داده است، طرح و تحلیل توصیفی و تطبیقی عرفان اصیل و پویا با بهره گیری از آموزه ها و گزاره های فاطمی و ارزش های معرفتمند و هدفدار و جهت دهنده معارف عمیق و انیق در قالب عرفان از منظر فاطمه زهرا سلام الله علیها یک ضرورت اجتناب ناپذیر است؛ عرفانی که از سرچشمه زلال وحی تغذیه شده و تجلیات وجودی بنیة محمدی (صلوات الله علیه) و حلاوت و شیرینی میوه دل رسول خدا (صلوات الله علیه) و پاره تن خاتم الانبیا و المرسلین (صلوات الله علیه) و همتایی منحصر به فرد امیر عارفان و امام سالکان و پروا پیشگان علی (علیه السلام) است که عرفان زهرایی (سلام الله علیها) روح

و رایحه محمدی (صلوات الله علیه) و علوی را با خود حمل می‌کند و از مولفه‌هایی چون: قرآن محوری، شریعت‌گرایی، توحید مداری، امامت و ولایت باوری، عبودیت پیشگی، درون‌گرایی و برون‌گرایی یا درد خدا و خلق، عقلانیت و عدالت، زندگی‌سازی و فرد و جامعه‌پروری، ریاضت‌گرایی و مجاهدت معقول و معتدل، عشق و محبت صائب و صادق، تعهد و مسئولیت الهی و انسانی، حماسه و جهاد، سیاست‌ورزی و حکومت‌گرایی، واقع‌گرایی با هدف و وظیفه‌شناسی و وظیفه‌گرایی و... برخوردار است و سعادت و خوشبختی و آرامش و آسایش در دنیا و آخرت و فعلیت سرمایه‌های فطری و رضوان و خشنودی خدای سبحان را به ارمان می‌آورد؛ لذا از چند جهت معرفی علمی عرفان از دیدگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) ضروری می‌نماید که عبارتند از: الف) استخراج و تبیین لایه‌های باطنی معارف فاطمی و فهم جامعیت و کمال اندیشه و بینش‌های این انسان کامل با توجه به احادیث، ادعیه و کارکردهای عملی حضرت‌شان ب) جایگزین‌سازی عرفان حقیقت محور و واقع‌گرا که کارآمد و سرنوشت‌ساز در همه ساحت‌های حیات انسان و ابعاد متکثر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است، در قبال عرفان‌های انحرافی، التقاطی و تخدیرکننده و معرفی آن به نسل جوان و فرهیخته و تشنگان وادی معرفت و معنویت و... و بالاخره نوشتار حاضر بر آن است که عرفان را از منظر حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با توجه به ادعیه و نیایش‌هایشان در چند محور ذیل ارائه و ابلاغ نماید:

۱- اصول و شرایط عرفان اسلامی؛ ۲- شرایط سلوک عرفانی؛ ۳- عناصر و مولفه‌های عرفان اصیل اسلامی

۲) اصول و شرایط عرفان اسلامی

عرفان اسلامی در یک دسته‌بندی کلی به دو بخش الف) عرفان نظری یا علمی ب) عرفان عملی یا عینی تقسیم‌پذیر است و عارفان مسلمان به چنین تقسیم‌بندی التفات و انتباه داشته و به نام‌های مختلف «علم الحقایق و المشاهدة و المکاشفة» در عرفان نظری و «علم التصوف و السلوک» در عرفان عملی (فناری، ۱۴۱۶ق: ص ۲۶) اشاره کرده‌اند. پس ذات حق و ظهورات او یعنی اسماء، صفات و افعال یا ذات به اعتبار

تعینی از تعینات، موضوع و مسائل عرفان نظری است که در حوزه‌های معرفت شناختی، هستی‌شناسی، الله شناسی و انسان‌شناسی در قالب جهان‌بینی عرفانی تبلور می‌یابد و سیروس‌سلوک عرفانی با هدف لقاء رب و مظهر اسماء جمال و جلال الهی و نیل به مقام قرب و فناء و وصول و بقاء یا منزلت ولایت که مرتبه حق‌الیقینی و جمع‌الجمعی است و بر اساس شریعت و باید و نبایدهای الهی و زیست عرفانی و طیّ طریقت و مقامات معنوی صورت می‌گیرد و منزل به منزل با صبغه عبودیت در برابر خداوند متعال به غایة القصوای عارفان و آمال مجبان و نهایت همت سالکان الی الله است، واصل می‌گردد و «عرفان عملی» عهده‌دار تبیین آن خواهد بود و سرمایه اولیه و اصلیه سالکان در این مرحله دل پاک و روح مهذب و خلوص و صدق درونی و به تعبیری تزکیه نفس (طهارت درون)، تزکیه عقل (عقلانیت برین) و تضحیه نفس (فناء فی الله) عناصر اصلی عرفان عملی محسوب می‌شوند که انگیزه، اندیشه، اخلاق و اعمال را شامل می‌شود و معرفت، شریعت و معنویت را به ارمغان می‌آورد؛ یعنی عرفان اسلامی در ساحت نظر و عمل روشمند، قانونمند، هدفدار و دارای مکانیسم معرفتی و رفتاری تعریف شده و نظام‌مندی است و دارای دو جنبه تعلیمی- اصولی و تربیتی- وصولی است که در تعریف سینوی از عرفان به خوبی متجلی است؛ چنانکه می‌گوید: «المعرض عن متاع الدنيا و طیباتها یخصّ باسم الزاهد و المواظب علی فعل العبادات من القيام و الصیام و نحوهما یخصّ باسم العابد و المنصرف بفکره الی قدس الجبروت مستدیماً لشروق نورالحق فی سره یخصّ باسم العارف» (بوعلی سینا، ۱۳۸۴: ج ۳، ص ۴۰۰). پس عرفان از حیث بینشی علم بالله و معرفت الله است و از حیث گرایشی علم مع الله و منازل الاخرة و نیل به لقاء الله و قرب به مقام خلیفه‌اللهمی شدن است و از حیث روشی بر کشف و شهود از رهگذر تهذیب و سلوک ابتناء و تکیه دارد که عشق و محبت، راز و نیاز، مجاهدت و معاملات در راه خدا و با خدا در پرتو شریعت و ولایت روح حاکم بر سیروس‌سلوک عملی است (قیصری، ۱۳۸۴: ص ۱۲۷؛ هجویری، ۱۳۸۳: ص ۲۷۹؛ جامی، ۱۳۵۶: ص ۱۹).

اینک با استفاده از معارف عرفانی و آموزه‌های عارفان مسلمان می‌توان مدعی شد که اساس عرفان بر دو رکن رکن استوار است الف) توحید ناب و کامل «العارف یرید الحق

الاول لالشیء غیره و لایوثر شیئاً علی عرفانه و تعبده له فقط» (بوعلی سینا، ۱۳۸۴: ص ۴۰۵) که در موضعی دیگر نیز آورده‌اند: «من آثر العرفان للعرفان فقد قال بالثانی و من وجد العرفان کانه لایجده بل یجد المعروف به فقد خاض لُجَّة الوصول» (همان، ص ۴۵۴ ب) موحد راستین و کامل که انسان کامل است و «غایت حرکت حبی خداوند، همانا پیدایش انسان کامل است که حبیب خداست» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۱۰) و یا «انسان کامل همان موحدی است که نه تنها به وحدت شهود راه یافته، بلکه به وحدت شخصی وجود بار یافته است...» (همان، ص ۸۳) حال که دانسته شد عرفان اسلامی از قرارگاه «وحی» چه وحی قرآنی و چه وحی بیانی اشراق و ارتزاق شده و می‌شود و از موضوع، متد و مکانیسم ویژه و نهادینه شده و مسائل بسیار روشن و شفاف و اصول و شرایط جامع و کاملی بهره‌ور است، به منزل و محضر فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) می‌رویم تا اصول و شرایط عرفان ناب را در مکتب حضرتش جستجو و مطالبه نمائیم که آمده است: هنگامی که آیه مبارکه «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسیح له فیها بالغدو و الاصال» (نور، ۳۶) قرائت شد، از رسول اکرم (صلوات‌الله علیه) سؤال گردید که منظور کدام منازل است؟ پیامبر (صلوات‌الله علیه) فرمود: منازل پیامبران. ابوبکر گفت: یا رسول الله این منزل (یعنی منزل فاطمه سلام‌الله علیها) نیز از آنهاست؟ رسول اکرم صلوات‌الله علیه فرمود: «نعم من افاضلها» آری از برترین آنهاست (طباطبایی، ۱۳۸۴: ج ۱۵، ص ۱۹۶).

۲-۱) اصل اول: خدا، اسماء و اوصاف الهی (توحید)

فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) معرفت به خدا و تجلیاتش که اُس و مغزای عرفان اسلامی است و توحید و وحدت حقه حقیقه و وحدت شهود و وجود را در بیانات حکیمانه و آموزه‌های ژرف و فرازمندش در مواضع و مواقع مختلف تبیین و تشریح فرمودند که توحید نظری اعم از ذاتی، صفاتی و افعالی را با رویکردهای عرفانی و برهانی و کثرات و تجلیات حضرت حق را با شیوه‌های شهودی و فلسفی دربردارد و ما به نمونه‌هایی از آنها اشارتی خواهیم نمود:

نمونه اول: «الحمد لله على ما انعم، و له الشكر على ما ألهم و التناء بما قدّم من عموم نعم ابتدأها و سبوغ آلاء اسداها و تمام مین والاهها، جمّ عن الاحصاء عددها و نأى عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادراك ابدھا و نديهم لاستزادتها بالشكر لاتصالها و استحمد الى الخلائق باجزالها و ثنى بالندب الى امثالها و اشهد ان لاله الا الله وحده لاشريك له، كلمة جعل الاخلاص تأويلها و ضمن القلوب موصولها و انار في التفكر معقولها، الممتنع من الابصار رؤيته و من الالسن صفته و من الاوهام كيفيته. ابتدع الاشياء لا من شئ كان قبلها و انشأها بلا احتداء امتثلها، كوّنھا بقدرته و ذرها بمشيئته من غير حاجة منه الى تكوينها و لا فائده له في تصويرها الا تشبيهاً لحكمته و تنبيهاً عن طاعته و اظهاراً لقدرته و تعيداً لبريته و اعزازاً لدعوته ثم جعل الثواب على طاعته و وضع العقاب على معصيته، زياده لعباده عن نعمته حياشة لهم الى جنته» (طبرسى، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، صص ۱۴-۱۳). (ستایش خدای را بر نعمتهایی که ارزانی داشت و سپاس او را بر اندیشه نیکو که در دل نگاشت. سپاس بر نعمتهای فراگیر که از چشمه لطفش جوشید و عطای فراوان که بخشید و نثار احسان که پیاپی بخشید. نعمتهایی که از شمار افزون است و پاداش آن از توان بیرون و درک نهایتش نه در حد اندیشه ناموزون. سپاس را مایه فزونی نعمت نمود و ستایش را سبب فراوانی پاداش فرمود و به درخواست پیاپی بر عطای خود بیفزود. گواهی می‌دهم که خدای جهان یکی است و جز او خدایی نیست. ترجمان این گواهی دوستی بی‌آلایش است و پابندان این اعتقاد، دل‌های باینش و راهنمایی رسیدن بدان چراغ دانش، خدایی که دیدگان او را دیدن نتوانند و گمان‌ها چونی و چگونگی او را ندانند. همه چیز را از هیچ پدید آورد و به نمونه‌ای انشا کرد. نه به آفرینش آنها نیازی داشت و نه از آن خلقت سودی برداشت؛ جز آن که خواست قدرتش را آشکار سازد و آفریدگان را بنده‌وار بنوازد و بانگ دعوتش را در جهان اندازد. پاداش را در گرو فرمانبرداری نهاد و نافرمانان را به کیفر بیم داد تا بندگان را از عقوبت برهاند و به بهشت کشاند) (دشتی، بی‌تا: ص ۱۰۱).

در فرازهای یاد شده نکاتی چند قابل تأمل است: ۱- عمق بینش حضرت زهرا سلام‌الله علیها که برگرفته از قرآن کریم و تفسیری جامع بر آیات خداشناسی و جهان‌شناسی است که بر وحدت وجود الهی و حکمت و قدرتش در آفرینش عالم و

آدم دلالت می‌کند و «توحید» را در اعلی مرتبه‌اش به وزان لاله‌الاهو یا هولاهو که هویت غیبیه الهیه است و از هویت مطلقه ذات حق حکایت می‌کند، ترسیم و تصویر ساخته و اکتناه به ذات الهی را میسور احدی از انسان‌ها ندانسته و تنها معرفت اسماء الهی، تجلیات حق از راه عرفان و برهان و کشف و شهود مطرح ساخته است و «تفاوت عن الادراک ابدھا» که دانش و بینش را در فهم و شهود حضرت حق و اسماء الهی طرح نموده است: «و ضمن القلوب موصولها و انار فی التفکر معقولها» سپس شهود با چشم سر و رویت با دیده ظاهری را نفی کرده تا نشان دهد که محدود را یارای دیدن نامحدود نیست «المتنع من الابصار رؤیته» و آن گاه در جریان آفرینش و خلقت عالم امکان مقوله بدیع و نوظهور بودن را به خوبی هر چه تمام‌تر آورده است که: «ابتدع الاشیاء لامن شیء کان قبلها و انشأها بلاحتذاء امثلة أمثلها». به تعبیر و تفسیر علامه جوادی آملی: «طبق این بیانات نورانی، خلقت اشیا نه «من شیء» است که ازلیت ماده لازم بیاید و نه «من لاشیء» است که مستلزم آفرینش از «عدم» است، بلکه فرض سوم یعنی «لامن شیء» صحیح است، ارتفاع نقیضین نیز لازم نمی‌آید، چون نقیض «خلق من شیء»، «لم یخلق من شیء» است، نه «خلق من لاشیء»؛ یعنی خدای سبحان عالم امکان را نه از «چیزی» خلق کرد و نه از «عدم» آفرید. پس اصل عالم بدیع و نوظهور است» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ج ۲، صص ۳۸۵-۳۸۴). ۲- معرفت الله را به مقوله «معاد» گره زد تا مبدأ و معاد عالم نیز که «یکی» است و همه چیز از «او» و به سوی «او» خواهند بود، تبیین شده و عرفان خدا محور و معادگرا ارائه شود و آغاز و انجام عالم و آدم نیز با توجه به «من غیرحاجة منه الی تکوینها و لافائدة له فی تصویرها الا تثبیتاً لحکمته و تنبیها علی طاعته و اظهاراً لقدرته و تعبداً لبریته و اعزازاً لدعوته...» معنا و مبنای معقول و مقبول فطرت عقل و فطرت دل قرار گیرد و حلقه وصل عبد به معبود در عبودیت و طاعتش براساس معرفت و محبتش باشد و دیگر هیچ.

نمونه دوم: «سبوح قدوس رب الملائکة و الروح...» (موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۷۹: ص ۳۲)، (دعای حضرت زهرا سلام‌الله علیها پس از نماز وتر)، «سبحان ذی‌العز الشامخ المنیف...» (همان، ص ۵۰) (دعای حضرت زهرا سلام‌الله علیها پس از نماز ظهر).

«سبحان من لبس البهجة و الجمال، سبحان من تردى بالنور و الوقار...» (همان، ص ۵۴)، (دعای حضرت در تعقیبات نماز عصر) یا فرمود: «الحمد لله الذى لا يبلغ مدحته القائلون و الحمد لله الذى لا يحصى نعمائه العادون..» (همان، ص ۵۹)، یا «من لا يعلم كيف هو و حيث هو و قدرته الا هو..» (همان، ص ۲۶)، «الحمد لله الذى خلق النور من النور و انزل النور على الطور فى كتاب مسطور...» (همان، ص ۱۷)، «يا اول الاولين و يا آخر الاخرين...» (همان، ص ۲۸)، «اللهم رب السماوات و رب الارضين و رب كل شئ...» (همان، ص ۲۹) و... .

فرازهای یاد شده که خود نمونه‌هایی است از حکمت نوری و معرفت شهودی صدیقه طاهره سلام‌الله علیها روایتی دقیق و قرائتی عمیق از توحید خالقی، توحید ربوبی و الوهی و توحید وجودی و صمدی است و برگرفته از توحید قرآنی تا از اسماء الهی و اوصاف ربوبی سخن به میان آورده و ذات حق را در قالب اسماء و اوصاف علیایش بشناساند تا انسان‌های اهل معرفت با شناخت اسماء الله لفظی و وجودی بر حسب مراتب فهم و درایتشان قرب حقیقی به حق یابند و به اسماء الله متوسل شوند تا خود مظهري از اسماء الهی شوند که حضرتشان در بسیاری از ادعیه به «اسماء الله» متوسل شده‌اند: «اللهم انى اسألك بحق كل اسم هو لك..» (همان، ص ۲۹)؛ «اسألك باسمك العظيم الذى امرت ابراهيم ان يدعوني به...» (همان، ص ۲۴) و... لذا حضرت «دعا» را کانون توحید و اسماء الله خواه اسماء جمالی و خواه جلالی قرار داده‌اند؛ «سبحانك يا ذالجلال و الاكرام...» (همان، ص ۶۴)، نمونه‌ای از آن است و از ربوبیت و الوهیتش گفته‌اند و عالم و آدم را مظاهر و تجلیات حق معرفی کرده و فرمودند: «انت الله لاله الا انت وحدك لا شريك له...» (همان، ص ۵۷) و نیز فرمودند: «أنت الاول فليس قبلك شئ و أنت الاخر فليس بعدك شئ...» (همان، ص ۲۹) تا جهان‌شناسی عرفانی را بر محور آیات قرآنی و تفسیر باطنی، عقلی و عرفانی‌اش نشان دهند.

نمونه سوم: پیامبر اسلام صلوات‌الله علیه روزی از دخترش پرسید: فاطمه چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد. فاطمه (سلام‌الله علیها) پاسخ دادند:

«شغلی عن مسئلته لذة خدمته، لاجابة لی غیر النظر الی وجهه الکریم» (دشتی، بی تا: ص ۹۹، ح ۵۶). چند نکته ظریف مندرج در حدیث یاد شده:

۱- فاطمه زهرا سلام الله علیها چنان غرق دریای معرفت و بحر ناپیدا کرانه وحدت حق و فانی در ذات الهی است که جز «او» را نشناسد و نخواهد ۲- لذت در محضر و بلکه در حضور محبوب بودن که لذتی فوق عقلی است و از شیرینی و حلاوت روحانی و عرفانی حکایت می نماید، او را از هر لذت دیگر بازداشته است ۳- با توجه به دو نکته یاد شده حضرت زهرا سلام الله علیها از خدا جز خدا نمی طلبد که در بینش عرفانی او غیر اوئی نیست و همه اوست «وحده لاله الهو» لذا حاجتش نظر پیوسته و پایدار به جمال زیبا و والای حضرت حق است که غرق در جمال و تجلیات جمالی حق سبحانه است و «وحدت شهود» بلکه «وحدت وجود» یا توحید صمدی دارد و به لقاء رب و دیدار دوست مشغول است؛ پس لذت حضور و شهود و لقاء می طلبد و همواره عاکف درگه و بارگه محبوب است و چنان پیوسته ناظر به وجه الله هست که خود مظهر وجه الله شده است. ۴- خداگرایی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) توأم با خداشناسی شهودی است؛ یعنی شناخت و شهود حق را با هم پیوند زده است و خداشناسی و خداگرایی را در هم نشان داده است و تنها جمال یار و دلبر و دلداری را نشانه رفته و نظر افکنده است تا به همین وزان رضای او رضای حق و خشم او خشم خدا شود و او خلیفه خدا و حجت تمام عیار و بالغه حق گردد.

۲-۲) اصل دوم: انسان کامل یا موحد کامل

چنانکه گفته شد عرفان اسلامی بر توحید و موحد و معرفت الله و ولایت استقرار یافته است و صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در منبع عظیم و غنی ادعیه و نیایش های خویش به این مقوله اشاراتی شگرف و شگفت افکنده است و اساساً ما را بر آن داشته تا به «دعا» بپردازیم، چنانکه فرمود: «بر شما باد به دعا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ص ۵۲۲) آری خداوند نیز در قرآن کریم فرمود: «ادعونی استجب لکم» (غافر، ۶۰) یا فرمود: «قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاءکم» (فرقان، ۷۷) چنان که فرمود: «و یتستجیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله» (شورا، ۲۶)، «ادعوا ربکم تضرعاً و خفیةً

انه لايجب المعتدين (اعراف، ۵۵) و... . دعا کلید رستگاری و باب ورود به ضیافت رحمانی است که دو عنصر سازنده و سوزنده یعنی رازگویی با محبوب و نیازخواهی از معبود را در خویش دارد و تفسیر انفسی قرآن و دریایی از معارف بلند و والای اسلامی است که دعا و نیاش به درگاه الهی فقرشناسی و فقریابی وجودی است و چه زیبا لسان الغیب سروده است که:

گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل

دُرّ و یاقوت بنوک مژغات باید سفت

تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد

هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت

بسیار مغتنم است که بدانیم فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در آینه دعا مقوله «ولایت» و «امامت» را در همه جنبه‌های عقیدتی - معرفتی، اخلاقی - معنوی و احکامی - اجرایی و حکومتی‌اش از لوازم دین و دینداری و پایه‌های اصلی عرفان اسلامی برشمرده‌اند و با ذکر صلوات‌های مکرر در آغاز و وسط و انجام دعاها، ذهن‌ها و ضمیرها یا عقول و قلوب را معطوف به اصل مهم و کارآمد امامت و ولایت نموده‌اند تا عرفان ولایی و سلوک عملی مبتنی بر امامت انسان کامل را زنده و پاینده نمایند، چنانکه در فرازهایی از ادعیه‌شان می‌فرمایند: «اللهم صل علی محمد خاتم النبیین و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة اجمعین و علی آله الطیبین الطاهرین و علی ائمة الهدی اجمعین و...» (موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۷۹: ص ۵۲) یا فرمودند: «اللهم صلی علی محمد و اهل بیتیته المبارکین...» (همان، ص ۳۵) یا: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» (همان، ص ۴۵)، «و صلی الله علی البشیر النذیر و السراج المنیر و علی جمیع الملائکة و النبیین» (همان، ص ۶۷) و ... قطعاً این صلوات‌ها پیامهای معرفتی و لوازم و نتایج سلوکی و بینش و گرایش بخشی جامعی را ارائه می‌دهد و فلسفه‌ای بسیار مهم دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- نیایش‌ها و رازها و نیازها هرگاه به ذکر صلوات بر پیامبر صلوات الله علیه و عترت طاهره‌اش علیهم السلام قرین و عجین نباشد، محجوب بوده و مهجور خواهد ماند و اساساً به اجابت نمی‌رسد؛ یعنی ادعیه نیز باید «ولایی» باشد و «نبوت و امامت»

روح و مغزای آن باشد که امام صادق علیه السلام از زبان رسول خدا صلوات الله علیه فرمودند: «اذا صلی علیّ ولم یتبع بالصلاة علی اهل بیتی کان بینها و بین السماوات سبعون حجاً» و يقول الله تبارک و تعالی: «لالیبک و لاسعدیک یا ملائکتی لاتصعدوا دعای ان لم یلحق بالنبی عترته فلا یزال محجوباً حتی یلحق بی اهل بیتی» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ح ۱۰، باب ۴۲) یا امام صادق علیه السلام فرمود: «لا یزال الدعا محجوباً حتی یصلی علی محمد و آل محمد» (کلینی، بی تا: ج ۲، ص ۴۹۱). ۲- انسان کامل معصوم ثمره شجره طیبه وجود و هدف آفرینش الهی و واسطه فیض در نظام تکوین و تشریح است و منهای انسان کامل حیات انسان معنا ندارد و بدون هدایت و عنایت آن وسائط فیض و فضل الهی هیچ انسانی توان بالفعل کردن استعدادهای بالقوه اش را نداشته و به کمال نوعی اش نخواهد رسید؛ لذا جمیع انبیاء و خاتم پیامبران و ائمه هدایت و نور علیهم السلام در ذکر صلوات فاطمی حضور دارند. ۳- درود و سلام متصل و منفصل بر پیامبر اکرم صلوات الله علیه و عترت پاکش علیهم السلام عمل به دستور و فرمان الهی و نشانه عبودیت و بندگی است ۴- ذکر صلوات نوعی معاشقه و تحابب با انسان کامل و سپس تشابه یافتن و متخلق به اخلاق آنان گشتن است ۵- با ذکر صلوات رازهای نگشوده باز و اسرار نهفته و سر به مهر برای سالک الی الله روشن خواهد شد و باب معرفت نوین و برین به روی مسافر کوی جمال و جلال الهی گشوده خواهد شد ۶- صلوات ارتباط عاطفی، عقلی و عرفانی و پیوند وجودی با مقام «ولایت» است که ولایت سر نبوت و راز عبودیت می باشد. ۷- صلوات یعنی تنها سرچشمه های تفسیر قرآن و معارف وحیانی، اهل بیت عصمت و طهارتند که مطهرون (واقع، ۷۹؛ توبه، ۱۰۸) و راسخون در علم (آل عمران، ۷) و... می باشند. ۸- صلوات دارای آثاری اخلاقی چون: کدورت زدایی از دل و نفاق ستیزی از باطن و عامل انهدام گناهان خواهد بود تا زمینه سازی برای سلوک عرفانی و طی مراحل معنوی فراهم گردد. ۹- صلوات بر انسان های کامل معصوم یعنی معیت فکری، اخلاقی و عملی با آنها و حشر و نشر متافیزیکی و فرهنگی- روحی با آنان که بیمه کننده سالک در همه منازل و مناظر سلوکی پرخطر و خطیرند است تا هرگز سالک از صراط مستقیم سلوک الی الله به انحراف و اضلال و اغواء کشیده نشود و بتواند آهسته و پیوسته به «خلوص فعلی» و سپس مقام «خلوص

ذاتی» که فناء کامل در ذات محبوب و معبود است واصل گردد ۱۰- ذکر صلوات بر پیامبر و آل طاهرینش علیهم السلام عامل افزایش عشق و محبت به آنها، نورانیت دل و الگوپذیری در تربیت اخلاقی- عرفانی از آنان است ۱۱- صلوات بر پیامبر اعظم صلوات الله علیه و عترت طاهره اش علیهم السلام سالک را به مقام خُلَّت الیهی و دوست شدن خدا می‌رساند که حضرت عبدالعظیم حسنی از امام حسن عسگری نقل نمودند: «انما اتخذ الله عزوجل ابراهیم خلیلاً لکثرة صلاته علی محمد و اهل بینه صلوات الله علیهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۶، ص ۲۵۴، ح ۲۸). ۱۲- ذکر صلوات عامل شناساندن الگوهای برتر در عرصه سعادت و کمال خواهد بود و اذهان و ضمائر دیگران را متوجه انسان‌های برجسته یا برجسته‌ترین انسان‌ها کرده است ۱۳- ذکر صلوات بر انسان‌های کامل الهی بستن پیمان و میثاق مجدد با آنان و تجدید عهد الست خواهد بود ۱۴- ولایت انسان کامل در دوست داشتن آنان، نصرت جستن از آنان و حاکمیت و سرپرستی آنها را در همه ابعاد فکری، اخلاقی و اجتماعی پذیرفتن تنها راه کمال حقیقی و عرفان راستین است.

پس صلوات‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها در مبدأ، میانه و منتهای ادعیه اش مُعرف اسلام راستین و عرفان راستین که عرفانی نبوی و عترتی است و عامل احیا و ابقاء شریعت حقّه محمدی صلوات الله علیه را نشان می‌دهد تا عرفان ولایت مدار و شریعت محور را معرفی نماید که پیر مغان، پیر میکرده، خضر راه، شیخ طریق، قطب و مرشد حقیقی، پیر می فروش و ... آنان هستند.

آری سر بر آستان محمد صلوات الله علیه و عترت پاکش علیهم السلام نهادن و معرفت، معنویت و شریعت را از سنت و سیره علمی و عملی آنان جستن راه فلاح و نجات و صراط مستقیم سلوک و شهود است و بایسته و شایسته است تا خیمه و خرگاه هستی خویش و حیات خود را بر فروغ خورشید نبوت و امامت روشن نگه داشت.

باید دانست که در حاق و کنه عرفان حضرت زهرا سلام الله علیها دفاع از اصل امامت و عنصر ولایت نهفته است تا اسلام و عرفان امامت و ولایت عرضه گردد و روشن سازد که امامت اکمال دین و اتمام نعمت الهی است: «زعمیم حق له فیکم و عهد

قَدَّمَهُ اليكُم و بقیة استخلفها علیکم: کتاب الله الناطق و القرآن الصادق و النور الساطع و الضیاء اللامع، بینةُ بصائرُهُ، منکشفةُ سرائره، متجليةُ ظواهره مغتبطة به اشیاءه، قائد الى الرضوان اتباعه، مودةً الى النجاة استماعه، به تنال حجج الله المنوره و عزائمہ المفسره و محارمه المخدرة و بیناته الجالیة و براهینة الکافیة و فضائله المندوبة و رخصه الموهوبة و شرائعة المكتوبة..» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ح ۴۳، ص ۱۵۸). (حقی را از خدا عهده دارید و عهده را که با او بسته‌اید پذیرائید، ما خاندان را در میان شما به خلافت گماشت و تأویل کتاب الله را به عهده ما گذاشت. حجت‌های آن آشکار و آن چه درباره ماست پدیدار و برهان آن آشکار و از تاریکی گمان به کنار و آوای آن در گوش مایه آرام و قرار و پیرویش راهگشای روضه رحمت پرودگار و شنونده آن در دو جهت رستگار است. دلیل‌های روشن الهی را در پرتو آیت‌های آن توان دید و تفسیر احکام واجب او را از مضمون آن باید شنید. حرام‌های خدا را بیان دارنده است و حلال‌های او را رخصت دهند و مستحبات را نمایانند و شریعت را راهگشایند و این همه را با رساترین تعبیر گوینده و با روشن‌ترین بیان رساننده) (دشتی، بی تا: ص ۱۰۳) و یا چه زیبا و راهگشا و روشن حضرت زهرا سلام الله علیها می‌فرماید: «شهد ان لا اله الا الله و ان ابی رسول الله سید الانبیاء و ان بعلی سید الاوصیاء و ولدی سادة الاسباط» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۳) که توحید، نبوت و امامت و ولایت را از هم انفکاک ناپذیر دانسته و نشان می‌دهد که عرفانی توحیدی است که از نبوت خاتم پیامبران سرچشمه گیرد و بر امامت علی علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام استوار گردد یا حضرتشان در حدیثی فرمودند: «رضیت بالله رباً و بك یا ابی نبیاً و باین عمی بعلأ و ولیاً» (شوشتری، ۱۰۱۹: ج ۵، ۱۱۷). البته این حدیث در مقام نیایش مطرح شده است و انسان کاملی از ربوبیت خدا، نبوت رسول خدا صلوات الله علیه و ولایت امیرالمومنین علیه السلام سخن به میان آورده است تا نشان دهد که همه ساحت‌های دین حتی دعا و نیایش نیز متفرع به مقام امامت و ولایت انسان کامل معصوم است و در افق عارفان مسلمان نیز انسان کامل مظهر اسم «ولی» و صاحب ولایت کلیه است که علامه حسن‌زاده آملی فرموده‌اند: «وجود انسان کامل ولی در نشأه عنصری، همواره واجب و قرآن کریم بدان ناطق است و روایات و صحف علمی، معاضد آنند؛ زیرا ولی از اسماء خداست و همیشه مظهر می‌خواهد»

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵: صص ۷۲-۷۱) و انسان کامل، کامل است در شریعت، طریقت و حقیقت (رک. نسفی، ۱۳۷۹: صص ۷۶؛ ۷۳) چنانکه گفته‌اند: «انسان کامل، مظهر اسم الله جامع و حاکم در همه عوالم است» (قیصری، ۱۳۸۱: ص ۲۴) یا نوشته‌اند: «الانسان الکامل لابد ان یسری فی جمیع الموجودات کسریان الحق فیها و ذلك فی السفر الثالث الذی من الحق الی الخلق بالحق و عند هذا السفر یتکم کماله و به یحصل له حق الیقین» (همان، ص ۱۱۸) و حضرت زهرا سلام‌الله علیها در معرفی علی علیه‌السلام فرمود: «و هو الامام الربانی و الهیکل النورانی، قطب الاقطاب و سلالة الاطیاب الناطق بالصواب، نقطه دائرة الامامة و باب بینهما الحسن و الحسین الذین هما ربیحتی رسول الله سیدی شباب اهل الجنة» (محللاتی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۹۳).

۳) شرایط سلوک عرفانی در نیایش‌های فاطمی

یکی از فرازهای مهم و تأثیرگذار و به بیان دیگر مقدمه و پیش‌نیاز سیر و سلوک عرفانی دارا بودن شرایط ایجابی و سلبی سلوک و عرفان عملی است که در ادعیه و نیایش‌های صدیقه طاهره (سلام‌الله علیها) متجلی است و ما به برخی از آنها اشاراتی خواهیم داشت که برخی اصطیادی و استخراجی و برخی اجتهادی و استنباطی از معارف فاطمی و آموزه‌های زهرایی است: ۱. بصیرت و معرفت به صراط کمال و راه وصال؛ به این معنا که راه رسیدن، قوانین و فرمول‌ها و مکانیسم سیر و سلوک، هدف‌ها و آرمان‌ها، خطرات و محذورات، عوامل و موانع رشد و رهایی را کاملاً بداند تا بتواند مسیر صحیح و راه حق را برای رسیدن به مقصود انتخاب نماید. ۲. صبر و شکیبایی به این صورت که شتابزدگی در سلوک نداشته و در برابر مصائب و رنج‌های پیدا و پنهان سیر و سلوک و دشواری‌های طی طریقت کاملاً صبور و بردبار باشد. ۳. شرح صدر و ظرفیت لازم نیز از شرایط سیر و سلوک است که برای سالک قبل از ورود به مقامات معنوی یک ضرورت و در مقامات نیز ضروری‌تر می‌نماید. ۴. اراده و انگیزه لازم و کافی و همت بلند و عزم جزم نیز از شرایط سلوک است. ۵. سلوک اخلاقی و ریاضت‌های مربوط به تزکیه نفس و رهایی از تیرگی‌ها و تاریکی‌های درون و اجتناب از رذائل اخلاقی و اکتساب فضائل و کرائم اخلاقی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در سفر روحانی

و سلوک معنوی است که اخلاق مقدمه لازم و واجب عرفان است که در فرازهایی از ادعیه فاطمه زهرا سلام الله علیها موارد پنجگانه یاد شده متجلی است: «اللهم انی اسئلك قوةً فی عبادتک و تُبَصِّرًا فی کتابک و فهمًا فی حکمک» (موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۷۹: ص ۴۴) یا فرمود: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و أعینا علی شکرک و ذکرك و طاعتک و عبادتک برحمتک یا ارحم الراحمین» (همان، ص ۲۶). یا در فرازی بسیار مهم به مقوله اخلاق در حوزه رهایی از رذائل و راه یابی به فضائل اشاراتی چند می نماید: «و من شر الفساق و الفجّار، و الکهان و السّحار و الحُستاد و الذُّغار و الاشرار... و اعوذبک اللهم من الهمّ و الحزن و العجز و الکسل و الجُبْن و البخل و... و اعوذبک من همزات الشیاطین و اعوذبک رب ان یحضرون» (همان، ص ۴۱) و... ۶. طهارت درون و برون ۷. مراقبت های قبل، حین و بعد از سیر و سلوک در هر مرحله و مقامی ۸. تضرّع و ابتهاج به درگاه الهی ۹. تفکر و تعقل ۱۰. ذکر و تعبد که می توان این شرائط را نیز در مواضع گوناگون نیایش های حضرت زهرا (سلام الله علیها) اصطیاد و یا استنباط کرد: «بسم الله و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله، ماشاء الله، لاقوه الابالله، حسبی الله، توکلت علی الله و افوض امری الی الله و بالله احاول و اصاول، و اکاثر و افاخر و أعترّ و اعتصم...» (همان، ص ۴۳) یا فرمود: «یا حی یا قیوم برحمتک استغیث (فاغثنی) و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدأ، و أصلح لی شأنی کله» (همان، ص ۴۳) که این فراز همواره و همیشه در صبح و شام ورد و ذکر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بود و حداقل بر دو امر مهم سلوکی دلالت می نماید. الف) مراقبت دائم از خویشتن ب) رهایی از نفسانیت و انانیت یا فنای از خود و ماسوای الهی برای مقام قرب و بقاء و لقاء ربّ و... یا فرمود: «انت مولای، فتحت لی باب الدعاء و الانابه، فلا تُعلّق عنی باب القبول و الاجابة...» (همان، ص ۵۳) یا فرمود: «اللهم انزع العجب و الریاء، و الکبر و البغی، و الحسد و الضعف، و الشکّ و الوهن و الضرّ و الأسقام...» (همان، ص ۵۵) و... ۱۱. دین گرای و شریعت محوری ۱۲. معاد باوری که در دعاهایی چون: «اللهم اصلح لی دینی، الذی هو عصمة امری و اصلح لی دنیای الی الیها معاشی و اصلح لی آخرتی الی الیها معادی و اجعل الحیاة زیادة لی من کل خیر، و اجعل الموت راحة لی من کل شرّ...» (همان، ص ۵۶) یا فرمود: «ربّ ارحم عند فراق الاحبة صرعتی و عند سکون القبر وحدتی

و في مغازاة القيامة غربتي و بين يدك موقوفا للحساب فاقتي ...» (همان، ص ۶۱). با توجه به شرایط دوازده‌گانه معلوم می‌شود که شرایط در سه جنبه عقیدتی - کلامی، اخلاقی - تربیتی و احکامی - شریعتی قابل دسته‌بندی شدن هستند که زمینه‌ساز ذهنی و ذاتی و تهیاً و تمهید مقدمه عقلی و روحی برای رفتن در وادی عرفان و سیر و سلوک خواهند بود چه اینکه تا انسان از نظر عقاید، اخلاق و اعمال گام‌های اساسی و بنیادین را بر ندارد و بصیرت دینی، روشن‌بینی درونی، طهارت و مراقبت دائمی، ارتباط وجودی با خالق هستی و شکیبایی و شرح صدر نداشته باشد، نمی‌تواند قدم در سرزمین سلوک شهودی بگذارد.

۴) عناصر و مؤلفه‌های عرفان اسلامی در کلام حضرت زهرا (س)

شناخت مؤلفه‌های اصلی و عناصر تشکیل دهنده عرفان اسلامی در افق اندیشه و شهود و احادیث و ادعیه مأثوره از حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) در جای خود بسیار مهم است؛ زیرا این مؤلفه‌ها حکایتی غیرمستقیم از ماهیت عرفان اسلامی و تفسیری از شناسنامه وجودی سیر و سلوک قرآنی - ولایی است و می‌تواند معیارهای سنجش و ارزیابی عرفان‌های موجود چه در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی از گذشته تاکنون به خصوص فرق و جریان‌های عرفانی و صوفیانه قرار گیرد و رهیافتی روشن برای نقد عرفان‌های نوظهور و آئینی و حتی سکولار باشد.

۴-۱) عرفان شریعت محور

عرفان اسلامی متخذ از متن قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشد و از حیث کلامی، اخلاقی و فقهی تدارک و حمایت می‌شود و اساساً هویتی غیر از وحی و سنت ندارد که فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) فرمود: «فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك و الصلوة تنزيهاً لكم عن الكبر و الزكاة تزكية للنفس و نماءً في الرزق و الصيام تثبيتاً للاخلاص و الحج تشبيداً للدين العدل تنسيقاً للقلوب و طاعتنا نظاماً للمله و امامتنا اماناً للفرقة و الجهاد عزاً للاسلام ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۵۸) یا فرمود: «حُبَّ إِلَى من دنيكم ثلاث: تلاوة كتاب الله و النظر في وجه رسول الله و الانفاق في سبيل الله» (خيابانی،

بی‌تا: ص ۲۹۵). یعنی قرآن در متن همه امور زندگی حضرت بوده و تقید و تعبد به شریعت به معنای خاص یعنی احکام الهی نیز تا آخرین لحظه محور عمل او محسوب می‌شد؛ لذا در عرفان حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) هرگز وحی و شریعت به کنار نرفته و قرآن‌گریزی و شریعت‌زدایی نشده است؛ چه این که «دین» با همه ابعادش منبع و محور حرکت به سوی خدا و سرمایه اصلی سلوک الی‌الله تا مقام لقاءالله است و سقوط تکلیف و شریعت جایگاهی در عرفان اصیل اسلامی ندارد و نمی‌توان به بهانه طریقت و حقیقت یا گوهر دین و حیرت از شریعت عبور کرد که شریعت حقیقت واحد ذو مراتب است و در حدوث و بقاء سیر و سلوک عرفانی حضور و ظهور دارد و طریقت و حقیقت لایه‌های باطنی و ساحت‌های ماورایی و درونی شریعت‌اند که آداب و اسرار شریعت محسوب شده و شریعت مبنای ریاضت سلوکی بصورت مستمر و مداوم و محور مراقبت و نظارت همه زمانی و همه زمینی سیر و سلوک محسوب می‌شود. یکی از تابناک‌ترین و مانا‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عرفان اصیل اسلامی شریعت محور آن است که در سنت و سیره علمی و عملی فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به خوبی هر چه تمام‌تر قابل مشاهده است. او که عبادت در قالب نماز، روزه، تلاوت قرآن، انجام فرائض و ترک محرمات و مکروهات و حتی مباحات و بالاتر انجام نوافل و امور استحبابی در حوزه انفاقات و... را تا آخرین لحظه عمرش ترک نکرد و بلکه روز به روز مقتیدتر می‌شد و در هیچ شرائطی از خط و صراط مستقیم شریعت نورانی محمدی صلوات‌الله علیه خارج نشده و در قول و فعل، التزام عملی به آنها را نشان داد تا در سلوک عرفانی هرگز تصوّر رهایی از شریعت به بهانه پوسته بودن و نردبان برای بالای بام شهود قرار دادن و... نشود که شریعت همه دستورات و باید و نبایدهایش ظاهر و باطن و آداب و اسرار و سطح و ساحت‌های عمیق و ناپیدا کرانه دارد و هر انسانی در مراحل و مقامات سلوکی تابع شریعت ظاهر و باطن است و بهترین و کامل‌ترین عامل ریاضت معتدل و معقول هر آینه «شریعت اسلام» است که هم از هیچ چیزی فروگذار نکرده و تمام نیازهای آدمیان را حتی در درجات و مدارج و معارج بلند عرفانی پاسخگو است و هم تربیت تدریجی و مداوم نفس برای طی طریقت الهی با هدف رسیدن به حقیقت است و فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در پرتو عمل به شریعت مرجع پاسخگویی به سؤالات دینی و شرعی و برآوردن حوائج و نیازهای مستمندان و

محرومان شد و کرامات و کمالات غیرقابل درک و توصیف شامل حال او گشت (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۵، ص ۲۵۱؛ ج ۴۳، صص ۲۷ و ۲۰۰ و ۲۰۹؛ بحرانی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۳۱۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۳۲۳).

۴-۲) جامعیت و کمال

از دیگر مؤلفه‌های عرفان اسلامی آن است که جامع و کامل است و مادیت و معنویت، جسم و جان، فرد و جامعه، خدا و خلق، درون و برون، خلوت و جلوت، ذکر و فکر را شامل شده و جهت می‌دهد؛ چنانکه فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) در اوج خلوت گزینی، سحرخیزی، عبادت کثیر و ذکر دائمی بود، اما از مسئولیت‌های دیگرش چون همسررداری، تربیت فرزند، کار و تلاش در منزل، تدبیر امور داخلی منزل، انفاق و صدقه، یاری مظلومان و محرومان و... نیز شانه خالی نمی‌کرد؛ چنانکه در سیره عملی‌اش آمده است که فرمود: «خيارکم التیکم مناکیه و اکرمهم لئسائهم» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۳۶۶). پیامبر اکرم (صلوات‌الله علیه) از یاران خود پرسید: در کدام لحظه زن به خدا نزدیکتر است؟ پاسخ مناسبی نشنید، تا این که حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) سؤال پدر را شنید و پاسخ داد: «ادنی ما تکون من ربه ان تلزم قعر بیتها» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۹۲؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۰) یعنی لحظه‌هایی که زن در خانه خود می‌ماند (و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد) به خدا نزدیکتر است. همچنین پرسش و پاسخ‌های یکی از زنان مدینه در محضر فاطمه زهرا سلام‌الله علیها پیرامون مسائل شرعی و استقبال حضرتشان از پاسخگویی به مسائل دینی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۳) و داستان‌هایی از ایثارگری و انفاق فاطمه زهرا سلام‌الله علیها (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۳۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۲۳، ص ۵۱۹ و...) از دیگر این موارد است.

۴-۳) سیاست‌ورزی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

عرفان جامع اسلامی، عرفان خلوت و خلسه، عافیت و راحت نیست؛ بلکه عرفانی است که در اوج سیر و سلوک معنوی و روحانی، مسئولیت‌پذیری در قبال فرد و جامعه و درد هدایت و عدالت را نیز در روح سالک مسلمان می‌پرورد و او را از انفعال،

رخوت و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت جامعه دور می‌دارد و چنین عرفانی با تفسیر و قرائتی که از معنویت‌گرایی و خداخواهی دارد، خدمت به مردم و شفقت بر خلق و حضور جهادی و حماسی و ظهور فرهنگی و سیاسی را با انگیزه الهی یا به تعبیر قرآن کریم «ان تقوموا لله» (سبأ، ۴۶) یکی از ویژگی‌های سلوک عرفانی بشمار می‌آورد و مردان خدا و اولیای الهی بیش و پیش از دیگران به رسالت‌های اجتماعی خود جامعه عمل می‌پوشانند که «رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکرالله» (نور، ۳۷) و صدیقه کبری سلام‌الله علیها که انسان کامل اسلام است و در مکتب قرآن و پیامبر اعظم صلوات‌الله علیه پرورش یافته و روح و روحیه قرآنی و نبوی دارد، در عین حال که از ویژگی عبودیت و عبادت، دعا و نیایش، سحرخیزی و خلوت‌های شبانه، ذکر و حضور در محضر الهی و... برخوردار است و به مسئولیت‌های خانواده نظیر رسیدگی به همسر، فرزندان، رتق و فتق امور منزل می‌پردازد، غافل از رسالتش در دوران بعثت و پس از رحلت پیامبر اعظم صلوات‌الله علیه درخصوص مقام و مقوله «امامت و ولایت» نیست. او که بودن در خانه و ندیدن نامحرم را و ندیدن نامحرم او را بهترین و برترین عبادت می‌داند، با درایت و بصیرت و زمان آگاهی و زمانه‌شناسی به دفاع عالمانه، منطقی و معقول و جهادی و اجتهادی از اصل امامت می‌پردازد و خطبه مفصل و جامع و کاملی که حکایت از اسلام‌شناسی تمام عیار و بصیرت و تفقه دینی و هوشمندی سیاسی - اجتماعی ایشان داشت می‌خواند و اسلام ناب محمدی صلوات‌الله علیه را با فلسفه هر کدام از اصول و فروعش معرفی کرده و از مجاهدت‌های پیامبر صلوات‌الله علیه در بیدارسازی و عزت بخشی به مردم و جهاد و ایثارگری علی علیه السلام سخن گفته و بسیار غراء، فصیح و بلیغ پیام نبوت و امامت را به گوش مردم می‌رساند و با زمینه‌سازی عمیق معرفتی - فرهنگی به فتنه‌گران نقابدار صریح می‌فرماید: «ابتدأ زعتم خوف الفتنه (الا فی الفتنه سقطوا وان جهنم محیطة بالکافرین) و فیهات منکم؟ و کیف بکم و انی تؤفکون؟...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۵۸).

می‌بینیم که چگونه قرآن را با نیازها و ضرورت‌های زمان با ژرفنای شگرفی تفسیر می‌کند تا از حقوق خاندان نبوت و امامت دفاع نماید. واقعاً کدام سیره سلوکی و بینش و منش و گرایش عرفانی جهادی، حماسی و واقع‌گرایانه و حق‌جویانه وجود دارد؟ و

زهرای مرضیه (سلام الله علیها) حماسه‌ای خلق کرد و جهاد عظیم فرهنگی - سیاسی آفرید و تاریخ را مبهوت اندیشه بلند و بینش فرازمند و روح الهی و جهادی‌اش کرد تا جهانیان فاطمه سلام الله علیها را تنها دختر محمد صلوات الله علیه، همسر علی علیه السلام، مادر حسنین علیهم السلام که خود مقامی والا و ارجمند است، نبینند؛ بلکه او را اسلام‌شناسی بی نظیر و دائرةالمعارفی زنده از آموزه‌ها و ارزش‌های ناب اسلامی دیده و انسان کامل الگو شونده برای همه اعصار و امصار و نسل‌های کمال‌گرا و سعادت‌طلب بشناسند و عرفان او را تنها در محراب عبادت، کنج خانه و خلوت مشاهده نکنند که عرفانش را در حضور در میدان جنگ و عرصه سیاست و فرهنگ نیز ببینند؛ آن انسان کاملی که وقتی در روزهای سخت بیماری‌اش زنان مهاجرین و انصار به عیادتش رفته و از احوالش می‌پرسند، در پاسخ می‌فرماید: «اصبحت والله عاتقة للدنيا کم قالية لرجالکن، لَفَطْتَهُمْ بَعْدَ انْ عَجَمْتَهُمْ وَ شَتَّتَهُمْ بَعْدَ انْ سَبَرْتَهُمْ...» (طبرسی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۳۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۶۱) یعنی از هر فرصتی برای روشنگری و مدافعه عقلانی - سیاسی از عنصر امامت انسان کامل معصوم بهره‌برداری می‌کند، یعنی او کاملاً به اقتضائات زمان و زمانه‌اش بصیرت دارد و به مسئولیت‌های خویش آشناست و بیماری‌اش نیز جسمانی و طبیعی نیست؛ بلکه در اثر فشارهای روحی و درد دین و دینداری و مشاهده غفلت، جهالت و پیمان‌شکنی مدعیان دروغین اسلام و نفوذ انحراف‌های پیدا و پنهان و تحریف آشکار و پنهان حقایق دین که ره‌آورد بعثت و رسالت است می‌باشد؛ چنان که می‌فرمایند: «وَيَحْتَمُّ انِّي زَعَزَعُوهَا عَنِ الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ وَ مَهِيظِ الرُّوحِ الْاَمِينِ وَ الطَّبِينِ بامور الدنيا والدین؟...» (همان).

(چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت برپایه‌های نبوت استوار ماند؟ از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد به خانه دیگر بردند و حق را از دست علی علیه السلام، که عالم به امور دین و دنیاست گرفتند؟) و یا در یکی دیگر از سخنرانی‌هایش به صراحت به دو انحراف تفسیر غلط از دین و دنیازدگی و گرایش به مطامع و منافع دنیایی به عنوان عامل اصلی پیمان‌شکنی اشاره فرمودند: «ولبتس ما تاولتم و ساء ما به اشترتم و شرراً ما منه اغتصبتم...» (طبرسی، ۱۴۱۶ق: ص ۱۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ص ۱۱۱) و یا چه حماسه‌سازانه از علی علیه السلام زمانی که به منزل

امیرالمومنین علیه السلام، هجوم آوردند؛ دفاع جانانه کرد و افشای چهره نمان و پنهان اصحاب کفر باطنی و نفاق درونی کرد و فلسفه بیرون آمدن و در جمع قرار گرفتن و سخنرانی کردنش را بیان کرد و فرمود: «والله ابن الخطاب لولا ائتي اكره ان يصيب البلاء من لاذنب له لعلمت ائتي ساقسم على الله ثم اجده سريع الاجابة...» (سوگند به خدا، چون کراهت دارم که بی‌گناهان دچار بلا و گرفتاری شوند، دست از تو برمی‌دارم. اگر چنین نبود، می‌فهمیدی که سوگند و نفرین من به سرعت تحقق می‌یافت و عذاب فرو می‌بارید) (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ص ۱۸؛ ج ۸، ص ۲۲۹؛ ج ۲۸، ص ۲۶۸).

فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در برابر تهاجم فرهنگی - سیاسی به حقایق و معارف ناب اسلامی و عنصر امامت و مرجعیت عقیدتی - معنوی و سیاسی جامعه خاموش ننشست و اسلام را به صورت خلاصه در بخش عقاید، اخلاق و احکام تفسیر و تبلیغ نمود و از دوران بعثت و رسالت پیامبر اکرم صلوات‌الله علیه و نعمت‌های مادی و معنوی که شامل حال مردم شد و از فضائل اهل‌بیت (علیهم‌السلام) سخن گفت تا بتواند به رسالتش در عصر پس از رحلت پیامبر اعظم صلوات‌الله علیه عمل نماید (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ص ۲۳۳؛ کلینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۱۸۸؛ ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۱۱۸) پس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها از حضور در میدان جهاد در جنگ خندق یا احزاب گرفته تا دفاعیات جانانه‌اش از علی علیه السلام به عنوان امام و ولی امر جامعه اسلامی و تا حضور فرهنگی - سیاسی در جمع زنان مهاجر برای آگاهی بخشی آنها و تا رفتن در بیت‌الاحزان و نوشتن وصیت‌نامه الهی - سیاسی‌اش در مجاور و در طول بندگی خالصانه و راز و نیازها و تلاوت قرآن و ذکر حق سبحانه و مسئولیت شوهرداری و فرزندداری توانست از خویش چهره‌ای جامع و کامل ساخته و نشان دهد و از عرفانی قرآنی - عترتی که به سیاست و جامعه، اقتصاد و تجارت، حکومت و تدبیر امور دین و دنیای مردم با دیده الهی و بینش آسمانی می‌نگرد و سیر از خلق به حق و از حق به خلق و از حق به خلق را یکجا نشانه رفته و نشان دهد و آئینه تمام عیار عرفان اسلامی را فراروی بشریت قرار دهد تا خط بطلان بر انزواگرایی محض و رهبانیت محض و بی‌تفاوتی در برابر جامعه و زمانه بکشد و عرفان سیاسی را در سیاست عرفانی که روحی الهی و رحمانی دارد، تبیین علمی و عملی

نماید و حجت را بر آدمیان تمام کند که سلوک و سیاست، عرفان و بودن در اجتماع، وحدت و کثرت و کثرت و وحدت مانع‌الجمع نیستند که آیات فراوان قرآنی دال بر آن است (ر.ک. مومنون، ۱۰-۱؛ فرقان، ۷۰-۶۳؛ فتح، ۲۹؛ نور، ۳۷)

۴-۴) درد خدا و خلق و درون‌گرایی و برون‌گرایی

یکی دیگر از ویژگی‌های عرفان فاطمه زهرا سلام‌الله علیها چنانکه از مباحث پیش گفته به خوبی مشهود است، درون‌گرایی و برون‌گرایی توأمان او، درد خلق خدا از رهگذر درد خدا داشتن اوست که او را تنها در خانه محبوس نکرد، بلکه به میادین عمل اجتماعی کشاند تا با رأفت و شفقت درد هدایت و حمایت از مردم داشته و نسبت به سرنوشت جامعه بی تفاوت نباشد. در عرفان فاطمی انسان تنها به نجات خود فکر نمی‌کند، بلکه پس از خودسازی و خودپردازی به جامعه‌سازی نیز می‌اندیشد و وارد این عرصه می‌شود؛ اگرچه ملامت‌ها و ملالت‌ها و مصائب و متاعب فراوانی داشته باشد. اسلام در آموزه‌هایش حتی در نمازهایی که مؤمنان در خلوت و تنهایی‌هایشان از فرائض و نوافل می‌خوانند عنصر توجه به مردم و «جزمن» و نوع دوستی و دیگر خواهی با انگیزه الهی را با عبارت «نعبد، نستعین، اهدنا، السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» تعبیه کرد و دعا برای مؤمنین در نمازهای وتر شبانگاهانه، ادعیه روزانه و شبانه که در آن دعا برای رهایی انسان‌ها از فقر معنوی - فرهنگی و فقر اقتصادی و مادی تا نجات از شرّ اعداء و احساد و ظالمان و... مطرح شده است و در نیایش‌های حضرت زهرا سلام‌الله علیها از یک فراوانی خاصی برخوردار است (ر.ک. رحمانی همدانی، ۱۳۷۵: صص ۳۶۴-۲۹۱؛ دشتی، بی تا: صص ۱۵۲-۱۴۸) و...

۵) نتیجه‌گیری

عرفان در افق اندیشه و شعاع بیش حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها ریشه در قرآن و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام داشته و غایت آن نیل سالک کوی حق به مقام «عبودیت» و منزلت قرب و ولایت الهی است. در عرفان فاطمی عالم و آدم تجلی خدا و مظاهر حضرت حق و انسان کامل مظهر تام و تمام و آئینه تمام نمای اسمای حسنا و اوصاف علیای خدای سبحان است و عارف کسی است که با طهارت درون و

تزکیه باطن و طی منازل سلوکی به مرتبه حق‌الیقین شهودی رسیده باشد که به تعبیر بوعلی سینا: «والعارفون المنزهون اذا وضع عنهم درن مقارنة البدن و انفکوا عن الشواغل خلصوا الى عالم القدس و السعادة وانتقشوا بالکمال الاعلی و حصلت لهم اللذة العلیا ...» (بوعلی سینا، ۱۳۸۴: ج ۳، ص ۳۸۲؛ ر.ک. حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۲: صص ۱۰۹-۱۰۸). پس در این عرفان اصول و شرائط و آدابی است که برخی از آنها عبارتند از: توحید، ولایت، محبت، ریاضت مشروع و معتدل، کشف و شهود در اصول و معرفت و بصیرت، شکیبایی و شرح صدر، هجرت از انبیت و منبیت، سرعت و سبقت، مراقبت دائمی، تضرع و نیایش، دین‌گرایی و معاد باوری و... آداب و عرفان اسلامی بر مشرب صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها از مؤلفه‌هایی چون: شریعت محوری، جامعیت و کمال، سیاست‌ورزی و مسئولیت‌های اجتماعی، درد خدا و خلق و درون و برون‌گرایی و... بهره‌مند است که آن را از سایر عرفان‌ها جدا می‌نماید.

عرفان در ادعیه و نیایش‌های حضرت زهرا سلام‌الله علیها در ابعاد معرفت و بیش، معنویت و گرایش، روش، کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون همه ساحت‌های وجود عقلانی، نفسانی و جسمانی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد تا سالک الهی، تک ساحتی و تک جنبه‌ای نشده و رشد متوازن و متعادل یافته از عقلانیت و معنویت و عرفان و عدالت توأمان برخوردار باشد. در این عرفان هدف رسیدن به کشف و کرامات و امور خارق عادات نیست؛ بلکه بندگی و خلوص و خداگونه و خداخو شدن و انجام وظائف متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها و اقتضائات زمان است. در این عرفان علم صائب، عشق صادق و عمل صالح محور تصعید تکاملی و استعلاء وجودی انسان سائر و مسافر کوی حق سبحانه است، عرفانی که منبع زلال آن قرآن، محل تحقق و تجلی‌اش خاندان عصمت و طهارت، خاستگاه سلوکی‌اش فطرت، قوانین و باید و نبایدهایش «شریعت»، تکیه‌گاه و پشتوانه‌اش «امامت و ولایت»، روش و مکانیسم آن تهذیب و شهود، استاد و راهنمایش انسان کامل معصوم علیهم‌السلام «نخن العلماء و شیعتنا المتعلمون و سائرالناس غثاء» (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۴، ح ۴)، غایتش رهایی از هر دو جهان در پرتو عشق به خدا و نیل به مقام قرب و لقاءالله و کارکردهایش عبودیت الهی و خدمت و شفقت بر خلق خدا و شکر عملی نعمت‌های ظاهری و

باطنی حضرت حق سبحانه است و مهمترین درس مدرسه عرفان و کلاس سلوک الی الله «توحید» است و چه زیبا و دلنشین فاطمه زهرا سلام الله علیها در طلب مکارم اخلاق و معالم معنویت در قالب نیایش فرمود: «اللهم انی اسئلك کلمة الاخلاص، و خشیتک فی الرضا و الغضب، و القصد فی الغنی و الفقر، و اسألك نعیماً لا ینفد، و اسألك قرۃ عین لا تنقطع، و اسألك الرضا بالقضا و اسألك بردالعیش بعدالموت، و اسألك النظر الی وجهک و الشوق الی لقاءک من غیر ضراء مُضِرَّة، و لافتنة مظلمة، اللهم زیناً بزینة الایمان و اجعلنا هدایة مهدیین یارب العالمین» (موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۷۹: صص ۶-۵).

به همین وزن عرفان جهادی و اجتهادی، سلوکی و شهودی فاطمه زهرا سلام الله علیها با شهادتش در راه «ولایت» و «توحید» به حسن فرجام و ختام رسید و آنگاه که بشارت شهادت شنید، خنده بر چهره اش متجلی شد و فرمود: «فاخبرنی آئی اول اهلہ لُحوقاً به فضحکُتُ لذلک» (دشتی، بی تا: ص ۱۷۶). چنانکه در آخرین لحظات عمر جاودانه و گرانمایه اش در مقام گفتگوی رازآمیز با امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «در خواب دیدم که رسول خدا صلوات الله علیه در قصری از مروارید سفید است و تا مرا دید فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توأم، بی صبرانه پاسخ دادم: سوگند به خدا پدرجان، اشتیاق من برای زیارت شما شدیدتر است ...» (همان، ص ۲۳۰) آری پایان خوش و شیرین عرفان ناب، دیدار دلبر و دلدار و لقاء انسان کامل مکمل است.

فهرست منابع

﴿ قرآن کریم

- ﴿ ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله: «الاشارات و التنبیہات»، شرح خواجه نصیرالدین و محاکمات قطب‌الدین رازی، تحقیق کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۴.
- ﴿ بحرانی، سید هاشم حسینی: «البرهان فی تفسیر القرآن»، قم، موسسه دارالتفسیر اسماعیلیان، ۱۴۱۷ق.
- ﴿ جامی، عبدالرحمن: «لوايح»، تصحيح محمدحسين تسبيحي، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۶.
- ﴿ جوادی آملی، عبدالله: «تفسیر موضوعی قرآن مجید»، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.
- ﴿ حرّ عاملی، محمدبن‌الحسن: «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- ﴿ حسن‌زاده آملی، حسن: «دروس شرح اشارات و تنبیہات»، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۲.
- ﴿ دشتی، محمد: «نهج‌الحیة» (فرهنگ سخنان فاطمه سلام‌الله علیها)، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، بی‌تا.
- ﴿ شوشتری، قاضی نورالله: «احقاق الحق»، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۰۱۹.
- ﴿ رحمانی همدانی، احمد: «فاطمه الزهراء، بهجة قلب المصطفى»، ترجمه دکتر سیدحسن افتخارزاده سبزواری، دفتر تحقیقات انتشارات بدر، چ ۲، ۱۳۷۵.
- ﴿ خیابانی، محمد: «وقایع الايام»، بیروت، مؤسسه دارالفنا، بی‌تا.
- ﴿ ابن شهر آشوب، زین‌الدین محمد بن علی: «مناقب آل ابی طالب»، انتشارات ذوی‌القربی، ۱۳۸۵.
- ﴿ طباطبایی، محمدحسین: «تفسیرالمیزان»، ج ۱۵، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- ﴿ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن: «احتجاج»، تحقیق ابراهیم بهادری و محمدهادی به، تهران، انتشارات اسوه، چ دوم، ۱۴۱۶ه.ق.
- ﴿ فناری، محمدبن حمزه: «مصباح‌الانس»، تهران، انتشارات مولی، ۱۴۱۶ق.
- ﴿ فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (معروف به مولی محسن): «الوافی»، اصفهان، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چ اول، ۱۴۱۲ق.
- ﴿ قیصری، داود بن محمود: «رسایل تحقیق»، سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱، ش.

- ◀ قیصری، داود بن محمود: «شرح فصوص الحکم»، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب: «اصول کافی»، ترجمه مصطفوی، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا.
- ◀ مجلسی، محمدباقر: «بحار الانوار»، بیروت، داراحیاء تراث العربی، چ سوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ◀ محلاتی، ذبیح‌الله: «ریاحین الشریعه» (در شرح حال بانوان دانشمند شیعه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ بیست و سوم، ۱۳۸۳.
- ◀ موحد ابطحی اصفهانی، سیدمحمدباقر: «الصحیفه الجامعه لادعیه، سیده نساء العالمین فاطمه‌الزهرا»، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه‌السلام، چ اول، ۱۳۷۹.
- ◀ نسفی، عزیزالدین: «انسان کامل» تصحیح و مقدمه ماژیران موله، کتابخانه طهوری تهران، چ ۳، بی‌تا.
- ◀ نوری، حاج میرزا حسین: «مستدرک الوسائل»، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- ◀ هجویری، علی بن عثمان: «کشف المحجوب»، تصحیح محمود عابدی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۳.